

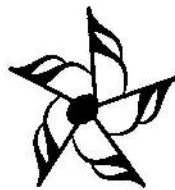
سلفر تال

جلد اول

Shiraz-Beethoven.ir

راموند سمائی کیا

شهر روز شهیدزاده



ناشر تخصصی موسیقی
شیراز

فهرست

.....	مقدمه	و
.....	فصل اول (سرایش)	
.....	بخش اول	
.....	بخش سوم	
.....	دو صدایی	۲۸
.....	درجه ۸	۳۱
.....	تُنالیتة «دو» ماژور و «دو» مینور	۳۱
.....	دو صدایی	۳۴
.....	سیکوننس	۳۵
.....	تُنالیتة «لا» ماژور و «لا» مینور	۳۶
.....	دو صدایی	۳۸
.....	آکورد (۱)	۳۹
.....	آکورد تُتیک	۳۹
.....	آکورد دُمینانت	۴۰
.....	بخش دوم	
.....	بخش چهارم	
.....	درجه ۵	۱۷
.....	تُنالیتة «دو» ماژور و «دو» مینور	۱۷
.....	دو صدایی	۱۹
.....	تُنالیتة «ر» ماژور و «ر» مینور	۲۰
.....	دو صدایی	۲۱
.....	تُنالیتة «می» ماژور و «می» مینور	۲۲
.....	دو صدایی	۲۳
.....	تُنالیتة «فا» ماژور و «فا» مینور	۲۴
.....	دو صدایی	۲۵
.....	تُنالیتة «سل» ماژور و «سل» مینور	۲۶
.....	آکورد دُسوب دُمینانت	۵۵
.....	آکورد (۲)	۵۵
.....	دو صدایی	۵۲
.....	درجه ۴	۵۲
.....	دو صدایی	۵۴
.....	دو صدایی	۵۵
.....	دو صدایی	۵۵

بخش هفتم	هارمونی (۱)..... ۵۶
قطعاتی از ادبیات موسیقی جهان (۱)..... ۹۵	خانوادهٔ آکوردها..... ۵۶
دوصدایی..... ۹۶	وصل آکوردها..... ۵۶
هارمونی (۳)..... ۹۷	بخش پنجم
انواع تریاد..... ۹۷	گام..... ۶۳
قطعاتی از ادبیات موسیقی جهان (۲)..... ۹۹	گام‌های نسبی..... ۶۵
هارمونی (۴)..... ۱۰۱	سرکلید گام‌های ماژور و مینور نسبی دیزدار..... ۶۶
معکوس آکوردها..... ۱۰۱	سرکلید گام‌های ماژور و مینور نسبی بمل‌دار..... ۶۶
انواع وصل‌های ممکن آکوردهای I, IV, V, I..... ۱۰۲	مفهوم تُنالیتۀ مینور..... ۶۷
قطعاتی از ادبیات موسیقی جهان (۳)..... ۱۰۴	قطعاتی در تُنالیتۀ مینور (هارمونیک، طبیعی)..... ۶۸
دوصدایی..... ۱۰۵	دوصدایی..... ۷۰
فاصله (۳)..... ۱۰۶	قطعاتی در تُنالیتۀ مینور (هارمونیک، ملودیک، طبیعی)..... ۷۲
هارمونی (۵)..... ۱۰۸	دوصدایی..... ۷۴
قطعاتی از ادبیات موسیقی جهان (۴)..... ۱۰۹	سیکوننس..... ۷۶

فصل دوم (ریتم)

تعریف‌های اولیه در رابطه با ریتم..... ۱۱۳
میزان‌های ساده..... ۱۱۵
ریتم دوضربی..... ۱۱۵
یادگیری ضرب‌ها، میان‌ضرب‌ها و تقسیمات مساوی ضرب‌ها از طریق شنوایی..... ۱۱۶
ریتم دوضربی به همراه سکوت..... ۱۱۷
ریتم دوضربی به همراه خط اتحاد..... ۱۱۸
ریتم سه‌ضربی..... ۱۱۹
ریتم سه‌ضربی به همراه سکوت..... ۱۲۰

هارمونی (۲)..... ۷۷
کادانس..... ۷۷
جمله و فِراز..... ۷۷
بخش ششم
مدولاسیون به تُنالیتۀ نسبی..... ۸۱
دوصدایی..... ۸۴
فاصله (۱)..... ۸۵
مدولاسیون به تُنالیتۀ ماژور و مینور هم‌نام..... ۸۸
دوصدایی..... ۹۰
فاصله (۲)..... ۹۱

- ۱۲۱.....ریتم سه‌ضربی به همراه خط اتحاد
- ۱۲۲.....ریتم چهارضربی
- ۱۲۳.....ریتم چهارضربی به همراه سکوت
- ۱۲۴.....ریتم چهارضربی به همراه خط اتحاد
- ۱۲۵.....انواع میزان
- ۱۲۶.....میزان‌های ترکیبی
- ۱۲۶.....ریتم‌های دوضربی، سه‌ضربی و چهارضربی
- ۱۲۸.....ریتم‌های ترکیبی به همراه سکوت
- ۱۳۰.....ریتم‌های ترکیبی به همراه خط اتحاد
- ۱۳۱.....ریتم‌های ساده با پیچیدگی بیشتر
- ۱۳۱.....ریتم سه‌ضربی
- ۱۳۲.....ریتم سه‌ضربی به همراه سکوت
- ۱۳۴.....ریتم‌های ساده به همراه خط اتحاد
- ۱۳۷.....دولاچنگ در ریتم‌های ساده
- ۱۳۷.....ریتم‌های دوضربی، سه‌ضربی و چهارضربی
- ۱۴۴.....ریتم‌های ساده به همراه سکوت
- ۱۴۸.....ریتم‌های ساده به همراه خط اتحاد
- ۱۵۱.....دولاچنگ در ریتم‌های ترکیبی
- ۱۵۱.....ریتم‌های دوضربی، سه‌ضربی و چهارضربی
- ۱۵۵.....ریتم‌های ترکیبی به همراه سکوت
- ۱۵۷.....ریتم‌های ترکیبی به همراه خط اتحاد
- ۱۵۹.....راهنمای تدریس کتاب

مقدمه

درک و اجرای صحیح آثار موسیقایی نیازمند تربیت دقیق و مداوم قوه شنوایی، پرورش حس زیبایی شناسی، گسترش حافظه موسیقایی و تقویت حس ریتم است. در سیستم آموزش آکادمیک موسیقی غرب، این مهم از طریق مبحثی با عنوان سلفژ آموخته می‌شود. سلفژ درسی است که ضمن تمرکز بر روی سُرایش و تقویت جنبه‌های شنیداری، دروس نظری مانند تئوری، هارمونی و فرم را نیز به صورت کاربردی، یعنی خارج از صفحات کاغذ و به شکل شنیداری ارائه می‌کند.

مهارت‌هایی که فرد در کلاس سلفژ کسب می‌کند به شرح زیر است:

۱- توانایی سُرایش موسیقی که شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها نظیر تشخیص اسم نت‌ها در کلیدهای مختلف، ریتم خوانی، سُرایش صحیح فرکانس نت‌ها، درک و خواندن خطوط ملودی، فواصل موسیقایی و آکوردها است.

۲- تقویت مهارت‌های شنیداری که شامل تشخیص فواصل، آکوردها و روند هارمونیک بین آن‌ها، دیکته ریتم و دیکته ملودی است.

۳- آشنایی، درک و دریافت و تحلیل آثار موسیقایی از طریق شنود.

۴- کسب مهارت‌های ابتدایی در درک فرم و استفاده از آن در نوشتن موسیقی (آهنگ سازی) که باعث تقویت بُعد خلاقه ذهن فرد می‌شود.

در این کتاب سعی شده است تا با ارائه مفاد درسی گفته شده، هنرجو بتواند مهارت‌های لازم را در جهت یادگیری هرچه دقیق‌تر موسیقی کسب نماید. همان‌طور که از روند مطالب مشخص است، این کتاب یک خودآموز نیست و بهتر است که هنرجو مطالب ارائه شده را در کلاس سلفژ و زیر نظر معلم فرا گیرد.

عنوان کتاب بیانگر این است که، درس‌ها و تمرین‌ها در فضای کاملاً تُنال نوشته شده است. در بازه زمانی وسیعی از تاریخ موسیقی غرب، آهنگسازان غربی آثار خود را در قالب موسیقی تُنال ارائه کرده‌اند. همچنین بسیاری از آثار موسیقی که امروزه در ژانرهای دیگر ارائه می‌شوند، از موسیقی عامیانه گرفته تا قطعات موسیقایی با کیفیت هنری بالاتر، یا در قالب تُنالیت هستند و یا بعضی از خصوصیات موسیقی تُنال را دارند. از آن‌جایی که یادگیری و فهم موسیقی تُنال راحت‌تر از موسیقی اُنُتال است، جلد اول این کتاب تمرکز خود را کاملاً بر روی آموزش موسیقی تُنال قرار می‌دهد.

این کتاب شامل دو فصل است؛ فصل اول به آموزش مهارت‌های مرتبط با دشیفراژ خطوط ملودی، توانایی شنیدن و سُرایش همزمان دو خط ملودی (دو صدایی)، درک ساختار هارمونی ملودی‌ها و قابلیت همراهی ملودی‌ها با پیانو می‌پردازد و فصل دوم مهارت‌های

مربوط به درک و اجرای ریتم را تعلیم می‌دهد. بهتر است که معلم با توجه به نیاز هنرجو به تدریس موازی مباحث درسی از هر دو فصل بپردازد. توضیحات نوشته شده در فصل اول بیشتر به جهت روشن شدن روند ارائه مطالب است و به شکل کاملاً خلاصه نوشته شده است. معلم آگاه و باتجربه می‌داند که باید با توجه به سن و توان هنرجو، مطالب را به شکلی واضح و خلاقانه برایش توضیح دهد.

در نظام آموزش موسیقی غرب، جهت تعلیم مهارت سُرایش خطوط ملودی تُنال، دو رویکرد عمده وجود دارد:

۱- تمرکز بر روی تشخیص و خواندن فواصل بین نت‌های ملودی.

۲- استفاده از ویژگی‌های تُنالیتته، که در رأس آن‌ها جاذبه درجات نسبت به تُنیک و به یکدیگر است.

روش اول، به فهم روابط عمودی بین نت‌ها که در علم هارمونی و کنترپوان بسیار حائز اهمیت است، کمک می‌نماید. اما استفاده از روش دوم در مقایسه با روش اول، مسیر آسان‌تری را برای سُرایش خطوط ملودی و تشخیص هارمونی آن‌ها پیش روی هنرجو قرار می‌دهد.

تمرین‌های سُرایش در این کتاب به شکلی است که معلم می‌تواند از طریق تکنیک‌های «دو» ثابت (fixed Do)، «دو» متحرک (movable Do) یا درجه خوانی (degree) به هنرجو درس دهد. اما ترجیح نویسنده برای تدریس این کتاب استفاده از تکنیک درجه خوانی است تا سختی خواندن خطوط ملودی، انتقال آن‌ها و نوشتن دیکته ملودی در تُنالیتته‌های مختلف در ذهن هنرجو از بین برود. زیرا در این روش حالت تُنالیتته (ماژور و مینور بودن) نسبت به نام آن در ارجحیت قرار می‌گیرد. بدین معنی که هنرجو متوجه می‌شود که نت‌های تُنالیتته‌هایی با نام‌های متفاوت اما با حالت یکسان، از نظر صدادهی، شخصیت مشترکی دارند و تفاوتشان تنها در زیر و بمی آن‌ها است.

درس‌هایی با عنوان «آکورد» و «هارمونی» در فصل ۱ در نظر گرفته شده است که شامل توضیحاتی پیرامون مباحث تنوری این علم و تمرین‌هایی برای سُرایش آکوردها و وصل صحیح آن‌ها است. برای یادگیری و سُرایش آسان‌تر آکوردها و پیوند هارمونیک بین آن‌ها، روند ارائه مطالب با آنچه در کتب هارمونی مختلف درس داده می‌شود، کمی متفاوت است. یعنی بر اساس آنچه که هنرجو از فضای تُنالیتته و درجه‌ها فراگرفته، ابتدا به سُرایش آکوردها و وصل آن‌ها می‌پردازد و سپس تنوری ساخت انواع آکورد و معکوس آن‌ها را یاد می‌گیرد.

درس‌هایی با عنوان دو صدایی نیز در کتاب قرار گرفته است. انجام تمرین‌های دو صدایی برای کمک به استقلال گوش در شنیدن بخش‌های صدایی مختلف آثار موسیقایی به طور هم‌زمان و فهم روابط هارمونیک و کنترپوانتیک خطوط ملودی، بسیار حائز اهمیت است.

در انتهای کتاب قسمتی با عنوان «راهنمای تدریس کتاب» برای توضیح دقیق‌تر دیدگاه نویسنده و چگونگی تدریس کاربردی‌تر درس‌ها گنجانده شده است؛ به امید آنکه مورد استفاده معلمین دقیق و نکته‌سنج قرار گیرد.

Instagram: @solfege_tonal

telegram: @solfege_tonal

آشنایی با مفهوم تنالیته

تنالیته: مجموعه‌ای از ۸ صدا با فواصل مشخص که به پررنگ‌تر شدن یکی از آن صداها کمک می‌کند. این صدای پررنگ شده را «تنیک» می‌نامیم.

درجه: هر کدام از صداهای تنالیته دارای شخصیت منحصر به فردی است؛ این صداها را «درجه» می‌نامیم.

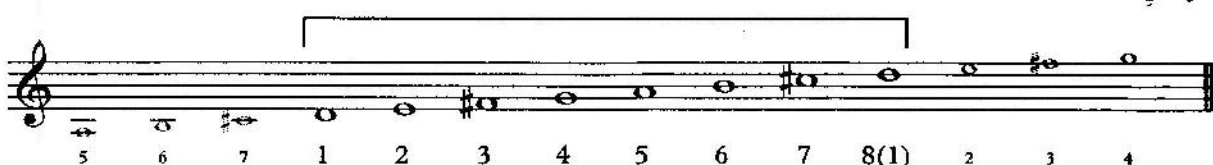
اگر به هر کدام از درجات یک عدد اختصاص بدهیم، به ترتیب تنیک معادل ۱ و صداهای دیگر تا ۸ نام‌گذاری می‌شوند و همیشه عدد ۸ تکرار صدای ۱ در یک اکتاو بالاتر است. به همین دلیل می‌توانیم به جای ۸ به آن ۱ نیز بگوییم.

گاهی می‌توانیم تنالیته را در قالب یک گام نشان دهیم. اگر درجات را از ۱ تا ۸ به ترتیب اجرا کنیم، یک گام تشکیل می‌شود.

تنالیته «دو»:



تنالیته «ر»:



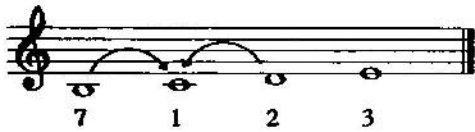
درجات ۱، ۲، ۳، ۷

هر درجه در تُنالیته، دارای شخصیت صدادهی منحصر به فردی است. به طور مثال:

- درجه ۱ حسی کاملاً ایستا و پایان دهنده دارد.
- درجه ۲ و ۷ حسی ناپایدار داشته و تمایل دارند به سمت درجه ۱ حرکت کنند. به همین دلیل درجه ۲ و ۷ را نباید بدون حضور درجه ۱ تصور کرد.
- درجه ۳ نیز دارای حس ایستایی نسبی است.

برای سهولت در یادگیری درجات و تثبیت نت تُنیک (درجه ۱)، تمرین‌ها را به درجات ۱، ۲، ۳، ۷ محدود می‌کنیم.

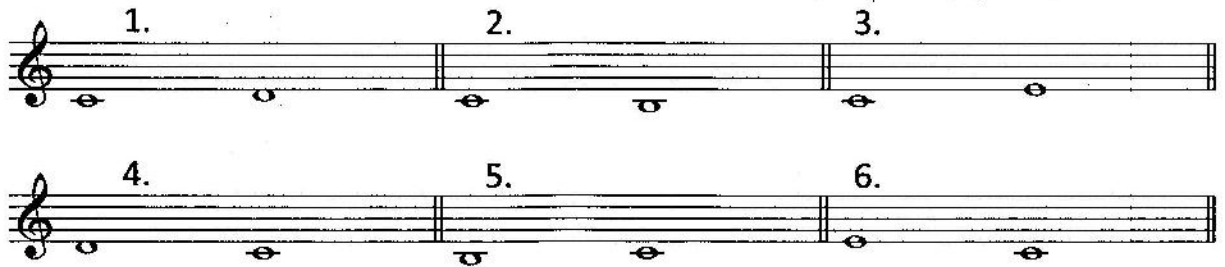
تُنالیته «دو» ماژور



تمرینی جهت خواندن زیر رو بمی صداها با درجات ۱، ۲، ۳، ۷



ابتدا نت اول را بنوازید، سپس نت دوم را خودتان بخوانید.



تمرین‌هایی جهت خواندن درجات ۱، ۲، ۳، ۷ در گروه‌های سه نتی



1. 

2. 

3. 



عبارت‌های معنی‌دان: هر قطعه موسیقی از اجزای کوچکتری تشکیل شده است که به ترتیب از بزرگ به کوچک شامل پرپود، جمله، فراز و موتیف است. ساختار درونی این عبارت‌ها به شکلی است که ذهن ما می‌تواند با شنیدن، آن‌ها را تشخیص دهد. تشخیص و اجرای عبارت‌های معنی‌دار آثار موسیقایی از ابتدایی‌ترین و ضروری‌ترین نکات در اجرای صحیح موسیقی است؛ چون منجر به درک بهتر شنونده از اثر موسیقایی می‌شود. این عبارت‌ها توسط خط اتصال از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

• یکی از راه‌های تشخیص عبارت‌های کوچک، وجود نت کشیده یا سکوت در انتهای آن‌ها است.

هنگام خواندن تمرین‌های زیر، به عبارت‌ها توجه کنید.

4. 



5. 



6. 

